یادداشت

## وقتی مقررات پول‌شویی «حق مطلق مدیون» را مشروط می‌کند

علیرضا دقیقی
وکیل پایه یک دادگستری

در نظام حقوقی ایران، ماده ۲۸۲ قانون مدنی به مدیون این اختیار را می‌دهد که هنگام پرداخت، تعیین کند وجه پرداختی بابت کدام‌یک از دیون متعدد او به همان طلبکار است؛ اما در محیط‌های تحت نظارت سیستم مالی، مقررات مبارزه با پول‌شویی این حق را از حالت «مطلق» به «مشروط و مستند» تبدیل کرده‌اند.

**اصل ماده ۲۸۲: اراده آزاد مدیون در تخصیص پرداخت**

ماده ۲۸۲ قانون مدنی بر مبنای اراده آزاد مدیون در زمان تأدیه (و حتی پس از آن در برخی تفاسیر) استوار است و در روابط خصوصیِ صرفا مدنی، این حق همچنان پابرجاست. با این حال، همین که پرداخت از مجرای کانال‌های رسمی مالی (بانک‌ها، مؤسسات اعتباری، صرافی‌ها و سامانه‌های تراکنش) عبور کند، قواعد بازی تغییر می‌کند.

**چرا مقررات پول‌شویی این حق را محدود می‌کنند؟**

قانون مبارزه با پول‌شویی (مصوب ۱۳۸۶ با اصلاحات ۱۳۹۷) و آیین‌نامه‌ها و بخش‌نامه‌های بانک مرکزی و مرکز اطلاعات مالی، شفافیت، مستندسازی، ردیابی منشأ وجوه و تطابق تراکنش با معامله واقعی را الزامی کرده‌اند. نتیجه عملی این الزامات آن است که ادعای مدیون مبنی بر «این پرداخت بابت فلان دین بود» بدون پشتوانه مستند، در بستر بانکی اعتبار پیشین را ندارد.

**چهار محور اصلی محدودیت**

● تطابق تراکنش با اسناد مثبته: تراکنش‌ها باید با قرارداد، فاکتور، رسید و سایر اسناد مرتبط همخوانی داشته باشند؛ واریز به حساب شخص ثالث یا تخصیص پس از وقوع بدون مستندات کافی، می‌تواند «عملیات مشکوک» تلقی شود و به مسدودی حساب، گزارش به مرکز اطلاعات مالی و حتی تعقیب کیفری بینجامد.

● محدودیت در استفاده از حساب و ابزار پرداخت: انتقال یا اجازه استفاده از حساب و ابزارهای پرداخت به اشخاص ثالث محدود یا ممنوع است؛ جابه‌جایی وجوه به‌گونه‌ای که بعدا به دلخواه تخصیص یابد، ممکن است مصداق پنهان‌کردن منشأ یا ماهیت وجوه باشد.

● نظارت مستمر و گزارش‌دهی: بانک‌ها و مؤسسات مالی موظف به پایش تراکنش‌ها و گزارش موارد مشکوک‌اند؛ تراکنش‌های پیچیده، غیرمعمول یا ناهمخوان با سطح فعالیت مشتری، تحت بررسی قرار می‌گیرند و ادعای بعدی مدیون اگر با الگوی ثبت‌شده در سامانه بانکی ناسازگار باشد، اعتبار کمتری می‌یابد.

● تأثیر در دعاوی و اجرای احکام: در پرونده‌های بانکی، مالیاتی یا کیفریِ مظنون به پول‌شویی، مراجع بیش از اراده صرف مدیون، به مستندات سیستمی، گزارش‌های مبارزه با پول‌شویی و اثبات منشأ مشروع توجه می‌کنند؛ بنابراین اجرای عملی ماده ۲۸۲ در بستر مالی، منوط به رعایت مقررات ضدپول‌شویی است.

**تمایز قلمروها: خصوصیِ محض در برابر سیستمیِ نظارتی**

● روابط خصوصیِ محض: در پرداخت‌های نقدی یا انتقالاتی که خارج از سامانه‌های تحت نظارت (و بدون عبور از اشخاص مشمول) انجام می‌شود، ماده ۲۸۲ کماکان محور اصلی است و بار اثبات بیشتر بر دعوای مدنی متعارف می‌چرخد.

● محیط سیستمی نظارتی: به‌محض ورود به شبکه بانکی/صرافی/مؤسسات اعتباری، «اراده مدیون» با «الزامات شفافیت و تطابق» گره می‌خورد؛ یعنی حق باقی است اما اعمال آن منوط به انطباق با رژیم نظارتی می‌شود. این تمایز به خواننده کمک می‌کند بفهمد چرا یک رفتار در دو بستر، دو پیامد متفاوت دارد.

**بار اثبات و ریسک کیفری: از «ادعا» به «مستند»**

در فضای ضدپول‌شویی، صرف ادعای تخصیص کافی نیست؛ مدیون باید بتواند «منشأ مشروع»، «رابطه اقتصادی واقعی» و «تطابق با اسناد» را نشان دهد. در مواردی که ظن پول‌شویی شکل بگیرد، بار اثبات صحت و مشروعیت به‌شدت به نفع نهادهای نظارتی جابه‌جا می‌شود و این می‌تواند حتی مسیر پرونده را از «دعوای مدنی» به «پیگرد کیفری/انطباقی» بکشاند.

**نقش «اشخاص مشمول» و گزارش‌دهی داخلی**

بانک‌ها، مؤسسات اعتباری، صرافی‌ها و سایر اشخاص مشمول، موظف به «پایش مستمر»، «احراز هویت مشتری (KYC)» و «گزارش معاملات مشکوک» به مرکز اطلاعات مالی هستند. این یعنی تخصیص‌های پس از وقوع، واریز به حساب ثالث، یا الگوهای لایه‌ای (layering) نه‌تنها در مرحله رسیدگی، بلکه همان لحظه در سامانه‌های نظارتی «پرچم‌دار» می‌شوند.

**پیامدهای عملی برای بازیگران مختلف**

● برای مدیون/پرداخت‌کننده: قبل از هر پرداخت سیستمی، اسناد مثبته (قرارداد، فاکتور، صورت‌حساب) را آماده و هم‌زمان با تراکنش بایگانی کند؛ از واریز به حساب ثالث پرهیز کند و اگر چند دین دارد، در شرح تراکنش و مکاتبات بانکی، بابتِ هر پرداخت را شفاف بنویسد.

● برای طلبکار/دریافت‌کننده: دریافت از حسابی غیر از حساب طرف قرارداد را به‌عنوان ریسک انطباق ببیند و در صورت اجبار، مستندات تکمیلی (وکالت‌نامه، حواله رسمی، قرارداد سه‌جانبه) ضمیمه کند.

● برای وکلا: در دعاوی مرتبط با تخصیص پرداخت، علاوه بر استناد به ماده ۲۸۲، پرونده مستندات ضدپول‌شویی (گزارش‌های سامانه‌ای، انطباق با KYC، الگوی تراکنش) را هم تحلیل کنند؛ چون دادگاه‌ها در پرونده‌های مالی-کیفری وزن بیشتری به این مستندات می‌دهند.

● برای واحدهای انطباق مالی: سناریوهای «تخصیص پس از وقوع»، «واریز به حساب ثالث» و «تکرار تراکنش‌های خردِ هم‌ارز» را به‌عنوان الگوی پرریسک در سامانه‌های پایش تعریف و آستانه‌های هشدار تنظیم کنند.

**یادداشت کامل را در سایت شرق بخوانید**

وزارت راه و شهرسازی
شرکت فرودگاه‌ها و ناوبری هوایی ایران
اداره کل فرودگاه بین المللی مهرآباد

**مزایده عمومی**
**T-MA-۱۰۰-۴۰۵-۶-۶**

**۱ – موضوع مزایده :** فروش اموال اسقاط و ضایعات و آهن آلات فرودگاه بین المللی مهرآباد از طریق اشخاص حقوقی واجد شرایط
**۲ – مهلت فروش اسناد :** از روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۶/۲۲ لغایت روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۶/۲۵
**۳ – نحوه دریافت اسناد:** بمنظور دریافت اسناد به سامانه تدارکات الکترونیکی دولت به آدرس www.setadiran.ir مراجعه شود.
**۴ – آخرین مهلت ارسال پیشنهادات در سایت :** روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۷/۰۵ ساعت ۰۸:۰۰ صبح می باشد.
**۵ – زمان بازگشایی پاکات :** روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۷/۰۵ ساعت ۰۹:۰۰ می باشد.
**۶ – مبلغ سپرده شرکت در مناقصه :** ۲۰۰.۰۰۰.۰۰۰ ریال می باشد.
شناسه آگهی ۲۲۷۴۵۵۵ م الف ۱۹۳۵ **اداره کل فرودگاه بین المللی مهرآباد**

### تسلط حوثی‌ها بر تنگه باب‌المندب و انفجار خط لوله انتقال نفت عربستان، نگرانی‌ها را به بازار انرژی جهان برگرداند

# خیز دوباره نفت

**شرق: بازار نفت جهان که ماه‌ها آرامش نسبی را تجربه می‌کرد و بهای نفت به کانال ۸۰ دلار کاهش قیمت داده بود، این بار با معادلات جدیدی مواجه شد؛ از سویی حوثی‌های یمن توانستند بر بخش‌های کلیدی آبراهه باب‌المندب مسلط شوند و از سوی دیگر خط لوله انتقال نفت عربستان که تنگه هرمز را دور می‌زد، آماج حملات پهپادی قرار گرفت و جریان انتقال نفت از این خط لوله متوقف شد. این مسائل در حالی رخ داد که محاصره دریایی ایران ادامه دارد و تردد در تنگه هرمز همچنان مختل است. این امر توانست قیمت نفت را بار دیگر به بالای صد دلار برساند و جهان را در آستانه فصل سرد، نگران بازار انرژی کند.**

**تسلط حوثی‌ها بر آبراهه باب‌المندب**

حوثی‌ها یا همان گروه انصارالله از یک جنبش مذهبی-سیاسی در میان زیدی‌های شمال یمن در دهه ۱۹۹۰ شکل گرفتند و بعد از درگیری‌های مسلحانه با دولت، به یک نیروی نظامی مهم تبدیل شدند. آنها در سال ۲۰۱۴ صنعا را تصرف کردند و از آن زمان یکی از اصلی‌ترین طرف‌های جنگ داخلی یمن هستند. عربستان در سال ۲۰۱۵ در این جنگ داخلی به نفع دولت حاکم بر یمن وارد مداخله نظامی شد، اما نتوانست حوثی‌ها را شکست دهد و این گروه شبه‌نظامی توانست مناطق وسیعی از شمال و غرب یمن را حفظ کند. این گروه به مرور به موشک‌های بالستیک، کروز و پهپادها مجهز شد و روابط نظامی و فنی آن با ایران به موضوعی مهم در رقابت‌های منطقه‌ای تبدیل شد.

از اواخر سال ۲۰۲۳، حوثی‌ها در واکنش به جنگ غزه به کشتی‌های مرتبط با اسرائیل و برخی کشورهای حامی آن در دریای سرخ حمله کردند؛ این مسئله باعث شد بخشی از کشتیرانی بین‌المللی مسیر خود را از دماغه امید نیک تغییر دهد. در واقع اهمیت این گروه شبه‌نظامی هم‌اکنون به موقعیت جغرافیایی تحت تسلط آنها برمی‌گردد که آن تنگه باب‌المندب است؛ یکی از مسیرهای مهم تجارت و انرژی میان آسیا و اروپا.

تنگه باب‌المندب در جنوب دریای سرخ واقع شده و خلیج عدن را به دریای سرخ متصل می‌کند. از شرق به خاک یمن و از غرب به جیبوتی و اریتره در شاخ آفریقا محدود است. از نظر جغرافیایی، باب‌المندب دروازه ورودی به دریای سرخ و در ادامه کانال سوئز است. هر کشتی‌ای که بخواهد از اقیانوس هند به مدیترانه برود، ناچار از این تنگه عبور می‌کند. عرض این تنگه در باریک‌ترین نقطه حدود ۲۶ کیلومتر است و طول آن تقریبا ۷۰ کیلومتر تخمین زده می‌شود. جزیره پریم یا میون درست در وسط تنگه قرار دارد و آن را به دو کانال اصلی تقسیم می‌کند: کانال غربی که حدود ۱۶ مایل عرض دارد و عمق آن به ۲۰۰ متر می‌رسد، مسیر اصلی کشتی‌های بین‌المللی است؛ و کانال شرقی که باریک‌تر و حدود سه کیلومتر و کم‌عمق‌تر است و عمدتا برای تردد محلی و قایق‌های کوچک استفاده می‌شود. پیش از تشدید تنش‌ها در سال ۲۰۲۳، روزانه حدود پنج تا شش میلیون بشکه نفت خام، میعانات و فراورده‌های نفتی از این تنگه عبور می‌کرد؛ یعنی حدود ۹ درصد از کل نفت حمل‌شده با تانکر در جهان. این رقم معادل ۱۲ درصد از تجارت دریایی جهانی نفت بود. علاوه بر نفت، کالاهای خشک مانند غلات، کانتینرها و مواد معدنی و محصولات شیمیایی نیز حجم عظیمی از تردد را تشکیل می‌دهند. طبق گزارش‌های بانک جهانی، حدود ۳۰ درصد نفت و ۴۰ درصد کالاهای خشک جهان از مسیر دریای سرخ و سوئز عبور می‌کنند. با بالاگرفتن تنش در تنگه باب‌المندب و افزایش حملات به کشتی‌های تجاری، این کشتی‌ها ناچار شدند مسیر خود را به دور آفریقا تغییر دهند. این تغییر مسیر، زمان سفر را ۱۰ تا ۱۴ روز افزایش داد و مصرف سوخت را بالا برد. با این حال، هم‌اکنون تنگه باب‌المندب دست‌کم برای جریان نفت عربستان یک مسیر حیاتی به شمار می‌آید.

پیش از این اشاره شد که درگیری‌های عربستان در جنگ داخلی یمن از سال ۲۰۱۵ تاکنون تداوم داشته است و در حالی که عربستان از دولت مستقر در این کشور حمایت می‌کند، ایران با گروه انصارالله روابط نظامی و فنی دارد. در سال ۲۰۲۶ درگیری حوثی‌ها یا انصارالله یمن که کنترل بخش شمالی یمن را در دست دارند، با نیروهای دولتی مورد حمایت ائتلاف به رهبری عربستان سعودی ادامه پیدا کرد و حوثی‌ها علیه عربستان محاصره دریایی اعلام کردند و فرودگاه‌ها، تأسیسات نفتی و نفتکش‌های این کشور در دریای سرخ را هدف قرار دادند. عربستان هم در مقابل مواضع حوثی‌ها را هدف حملات خود قرار داد و ائتلاف دریایی جدیدی برای حفاظت از کشتیرانی در دریای سرخ و خلیج عدن تشکیل داد. گرچه در ابتدای این درگیری‌ها به نظر می‌رسید ائتلاف تحت حمایت عربستان دست برتر را دارد، اما در ادامه حوثی‌ها توانستند بخش‌های مهمی از خاک یمن را به تسلط خود درآورند. در سپتامبر ۲۰۲۶ حوثی‌ها در مناطق نزدیک باب‌المندب، ازجمله ذباب، میون یا پریم و المخا، پیشروی‌هایی داشته‌اند و به این ترتیب موقعیت آنها در این آبراه راهبردی تقویت شده است که در صورت تثبیت این حضور، حوثی‌ها می‌توانند به یک اهرم فشار مهم بر کشتیرانی و امنیت انرژی جهانی تبدیل شوند.

**جبهه جدید جنگ گشوده می‌شود؟**

این اتفاق در حالی رخ می‌دهد که آکسیوس در گزارشی به نقل از دو مقام آمریکایی گزارش داده است محمد بن‌سلمان، ولیعهد عربستان سعودی، روز پنجشنبه دو بار با دونالد ترامپ تماس گرفته و در تماس دوم از رئیس‌جمهور آمریکا خواسته است حملاتی علیه حوثی‌ها انجام دهد. بر اساس این گزارش که مقامات دو کشور هنوز آن را تأیید یا رد نکرده‌اند، ترامپ با این درخواست مخالفت کرده و مقام‌های آمریکایی گفته‌اند واشینگتن در حال حاضر قصد ورود مستقیم نظامی به جنگ با حوثی‌ها را ندارد. در عین حال، آمریکا وعده داده است اطلاعات و داده‌های مربوط به اهداف حوثی‌ها را در اختیار عربستان قرار می‌دهد. از آن سو، اخباری درباره سفر برد کوپر، فرمانده سنتکام، به عربستان منتشر شد.

آکسیوس همچنین در ادامه نوشته است که مقام‌های آمریکایی در هفته‌های اخیر به همتایان سعودی خود گفته‌اند دستور ترامپ این است که تمرکز نیروهای آمریکا بر ایران و حفاظت از تنگه هرمز باقی بماند و از گشوده‌شدن یک جبهه نظامی دیگر خودداری شود.

در همین حال، روز ۱۸ شهریور خبر رسید خواجه آصف، وزیر دفاع پاکستان، هشدار داده است که ادامه حملات حوثی‌ها به خاک عربستان می‌تواند پیمان دفاعی مکه میان پاکستان، عربستان و ترکیه را وارد مرحله اجرائی کند. او گفت اسلام‌آباد به مفاد این پیمان متعهد است و در صورت نیاز به تعهدات خود عمل خواهد کرد؛ توافقی که بر اساس آن، تجاوز به یکی از سه کشور، تهدیدی علیه هر سه عضو تلقی می‌شود. آصف در عین حال گفت این پیمان می‌تواند کارکرد بازدارنده داشته باشد و فعال‌شدن آن لزوما به معنای واکنشی نظامی و همسان از سوی تمامی اعضا نیست.

گذشته از این اتفاق، عربستان سعودی از حمله پهپادی به خط لوله انتقال نفت خود خبر داد که از طریق آن تنگه هرمز را دور می‌زد و نفت خود را بدون نیاز به این آبراهه صادر می‌کرد. این کشور اعلام کرد که پس از حمله پهپادی به این خط لوله نفتی، فعالیت این مسیر انتقال نفت را به‌طور موقت متوقف کرده است. رویترز روز شنبه ۲۱ شهریور گزارش داد که بغداد و ریاض منشأ حمله به خط لوله عربستان را خاک عراق اعلام کرده‌اند. دفتر نخست‌وزیر عراق نیز در واکنش به این اتفاق، فرمانده عملیات نظامی استان میسان در جنوب شرقی این کشور و هم‌مرز با ایران را در ارتباط با این حمله برکنار کرد. خط لوله شرق به غرب عربستان هزارو ۲۰۰ کیلومتر طول دارد و نفت را از شرق عربستان به سواحل دریای سرخ منتقل می‌کند و در ماه‌های اخیر روزانه بین چهار تا پنج میلیون بشکه نفت، معادل چهار تا پنج درصد عرضه جهانی، از طریق آن جابه‌جا شده است.

**نگرانی دوباره برای نفت**

این دو اتفاق هم‌زمان توانست بهای نفت را که مدت‌هاست در کانال ۸۰ دلار درجا می‌زد، تا حدود ۱۰۹ دلار صعودی کند؛ چراکه عربستان یکی از سه تولیدکننده بزرگ نفت جهان است و پس از جنگ آمریکا و اسرائیل علیه ایران توانسته بود بخش درخور توجهی از نفت تولیدی خود را از خط لوله شرق به غرب به بازار نفت جهان منتقل کند. این کشور همچنین بخشی از نفت تولیدی خود را از کریدور جنوبی تنگه هرمز و از طریق همکاری با عمان به خارج از این آبراهه منتقل کرده است. حالا اما هم تنگه باب‌المندب و تنگه هرمز عبور نفت عربستان را مختل کرده‌اند و هم خط لوله انتقال نفت این کشور مورد حمله قرار گرفته که معامله‌گران این بازار را نگران کرده است. در عین اینکه فصل سرد در راه است و تقاضا برای نفت و گاز در فصول سرد سال بیشتر می‌شود و افزایش تقاضا و فشار بر عرضه می‌تواند بار دیگر قیمت نفت را در سطوح بالا نگه دارد.

با این حال، قیمت نفت برنت دیروز در بازار جهان اندکی کاهش را تجربه کرد و به هر بشکه ۱۰۴ دلار رسید.

در همین زمینه، حمید حسینی، کارشناس انرژی، به «شرق» می‌گوید: اگر تسلط حوثی‌ها بر تنگه باب‌المندب تثبیت شده یا جبهه‌های جدیدی در جنگ گشوده شود، ممکن است قیمت نفت در آستانه فصل سرد پیش‌رو صعودی شود و تا ۱۱۵ دلار هم برسد و اختلال مقطعی در بازار نفت رخ دهد. با این حال، ترمیم خط لوله نفت عربستان زمان زیادی نمی‌برد و از سوی دیگر مسئله چین هم در این معادله باید مورد توجه قرار گیرد؛ چراکه چین مشتری بزرگ نفت عربستان است و در عین حال روابط مساعدی با حوثی‌ها و ایران دارد. بنابراین ایجاد اختلال در عرضه نفت سرازیرشده به سوی چین، به راحتی ممکن نیست. هرچند وجود کمبود عرضه نفت و کاهش تردد نفتکش‌ها در تنگه هرمز و در عین حال بروز فصل سرد می‌تواند قیمت نفت را تا مدتی در سطوح بالا حفظ کند.

او در ادامه توضیح می‌دهد: خبر برگزاری نشست کشورهای حاشیه خلیج فارس و مذاکرات ایران و عمان برای عبور نفتکش‌ها از تنگه هرمز توانست قیمت نفت را تا حدودی کاهشی کند؛ اگرچه من فکر نمی‌کنم این نشست منتج به نتیجه شود. علی شمس‌اردکانی، دیگر تحلیلگر انرژی نیز به «شرق» می‌گوید: افزایش سطح تنش در منطقه بیش از همه ایران و عربستان را به‌عنوان دو تولیدکننده نفت متضرر می‌کند و این دو کشور باید راه‌هایی برای ایجاد تفاهم با یکدیگر پیدا کنند.

او در ادامه تأکید می‌کند که تداوم تنش در دو آبراهه هرمز و باب‌المندب می‌تواند عرضه نفت ایران به بازار جهان را متوقف کرده، سهم ایران از بازار جهانی نفت و کیک اقتصاد را روز به روز کوچک و کوچک‌تر کند و تأثیر آن سال‌های طولانی بر اقتصاد کشور ماندگار شود. بنابراین ایران باید برای حل‌وفصل ماجرا هرچه سریع‌تر به میز مذاکره برگردد و با افزایش سطح تنش متأسفانه سطوح خسارت به کشور بالاتر می‌رود و جبران آن دشوارتر می‌شود. ضمن اینکه اعتماد به تجارت و سرمایه‌گذاری با ایران سلب می‌شود و این همان موضوعی است که اسرائیل به دنبال اثبات آن به جهان است که ایران نمی‌تواند کشور قابل اعتمادی باشد و درصدد ضربه‌زدن به تجارت و اقتصاد جهان است.

این کارشناس همچنین تأکید می‌کند: بیشترین فشار ناشی از افزایش قیمت نفت و اختلال در تنگه‌های هرمز و باب‌المندب متوجه بازار آسیا و چین است و اروپا می‌تواند از این بحران عبور کند. بنابراین، ایران باید با در نظر گرفتن این واقعیات بازار نفت و اقتصاد، هرچه سریع‌تر به میز مذاکرات برگردد و اجازه ندهد سطح تنش‌ها بالاتر برود.

**بهای نفت که مدت‌هاست در کانال ۸۰ دلار درجا می‌زد، تا حدود ۱۰۹ دلار صعودی شده و نگرانی‌ها برای عرضه نفت عربستان به عنوان یکی از سه تولیدکننده بزرگ نفت جهان بالا گرفته است. عربستان پس از جنگ آمریکا و اسرائیل علیه ایران توانسته بود بخش درخور توجهی از نفت تولیدی خود را از خط لوله شرق به غرب به بازار نفت جهان منتقل کند. این کشور همچنین بخشی از نفت تولیدی خود را از کریدور جنوبی تنگه هرمز و از طریق همکاری با عمان به خارج از این آبراهه منتقل کرده است. حالا اما هم تنگه باب‌المندب و تنگه هرمز عبور نفت عربستان را مختل کرده‌اند و هم خط لوله انتقال نفت این کشور مورد حمله قرار گرفته که معامله‌گران این بازار را نگران کرده است**

یادداشت

## تراستی‌ها؛ سازوکار تحریم و ضرورت تفکیک مسئولیت‌ها

علی پوریا

تراستی‌ها را نمی‌توان بدون در نظر گرفتن شرایطی که به شکل‌گیری آنها منجر شد، تحلیل کرد. اقتصاد ایران سال‌هاست با تحریم‌های بانکی و مالی مواجه است؛ تحریم‌هایی که فروش نفت، دریافت پول، انتقال منابع و ارتباط مستقیم با شبکه بانکی بین‌المللی را دشوار کرده‌اند. در چنین شرایطی، شرکت‌ها و مجموعه‌هایی به‌عنوان واسطه یا تراستی وارد این فرایند شدند تا بخشی از محدودیت‌های ایجادشده را مدیریت کنند. بنابراین، اصل وجود تراستی‌ها نه یک پدیده تازه است و نه فی‌نفسه به معنای تخلف یا فساد. واقعیت این است که تجارت خارجی در شرایط تحریم، هزینه و پیچیدگی بیشتری دارد. وقتی بانک‌های معتبر بین‌المللی امکان همکاری مستقیم با ایران را ندارند، فروشنده ناچار است برای انجام معامله، دریافت وجوه و انتقال آن به داخل کشور از مسیرهای جایگزین استفاده کند. تراستی‌ها در چنین وضعیتی یکی از همین ابزارها هستند. اگر چنین سازوکارهایی وجود نداشت، فروش بخشی از نفت و دسترسی به منابع حاصل از آن با دشواری بسیار بیشتری مواجه می‌شد و در نهایت فشار آن فقط به صنعت نفت محدود نمی‌ماند؛ بلکه بر تأمین کالا، واردات، بودجه و فعالیت عمومی اقتصاد اثر می‌گذاشت. البته این به معنای مطلوب‌بودن تراستی در شرایط عادی نیست. اگر تحریم وجود نداشته باشد و امکان فروش نفت، دریافت پول و انتقال آن از مسیرهای رسمی بانکی فراهم باشد، استفاده از واسطه‌های متعدد و سازوکارهای پیچیده نه اقتصادی است و نه منطقی. بنابراین، تراستی را باید یک راهکار اقتضایی برای شرایط تحریم دانست، نه یک مدل مطلوب دائمی برای تجارت خارجی. اما بخش مهم بحث، جایی آغاز می‌شود که درباره عملکرد تراستی‌ها، میزان بازگشت ارز و نحوه انتقال منابع پرسش مطرح می‌شود. در اینجا باید میان مسئولیت‌های مختلف تفکیک روشنی وجود داشته باشد.

نخست، مسئولیت بخش نفت است. بازاریابی نفت، مذاکره با خریداران، شناسایی بازار، انعقاد قرارداد فروش و پیگیری انجام تعهدات قراردادی در حوزه مسئولیت دستگاه و شرکت‌های متولی فروش نفت قرار دارد. بنابراین، درباره اینکه نفت به چه مشتری‌ای، با چه شرایطی و در چه چارچوبی فروخته شده است، باید از بخش نفت توضیح خواست.

دوم، مسئولیت نظام بانکی و بانک مرکزی است. پس از انجام فروش، موضوع دریافت و انتقال منابع وارد مرحله دیگری می‌شود. نحوه ورود ارز به چرخه اقتصادی، عملیات بانکی، ثبت دریافت‌ها، تخصیص و انتقال منابع و سازوکارهای مرتبط با بازگشت ارز صرفا مسئله فروش نفت نیست. بانک مرکزی و شبکه بانکی در این مرحله مسئولیت و اختیار مشخص دارند و نمی‌توان تمام این فرایند را به وزارت نفت منتسب کرد.

سوم، مسئولیت نهادهای نظارتی است. نظارت بر اجرای مقررات، کنترل مسیر منابع، بررسی انطباق عملکرد با ضوابط و رسیدگی به موارد احتمالی تخلف، وظیفه دستگاه‌های نظارتی است. اگر درباره بازنگشتن ارز، انحراف منابع یا تخلف احتمالی پرسشی وجود دارد، نهاد نظارتی باید بتواند مشخص کند چه اتفاقی افتاده، کدام حلقه مسئول بوده و چه اقدامی انجام شده است. نظارت مؤثر صرفا به معنای طرح سؤال نیست؛ پاسخ‌گویی و اعلام نتیجه بررسی نیز بخشی از مسئولیت نظارتی است.

این تفکیک، از نظر سیاست‌گذاری نیز اهمیت دارد. نمی‌توان مسئولیت بانک مرکزی در فرایند بازگشت ارز را به دلیل آنکه فروش نفت در وزارت نفت انجام شده، نادیده گرفت؛ همان‌طور که نمی‌توان مسئولیت فروشنده نفت در انتخاب مشتری و انعقاد قرارداد را به نهادهای بانکی منتقل کرد. هر حلقه باید در محدوده اختیار خود پاسخ‌گو باشد.

**یادداشت کامل را در سایت شرق بخوانید**